

بازارایی مشروعیت در نظم گذار جهانی: ترکیه و گفتمان «جهان بزرگ تر از پنج است»

اسماعیل بنی آدم^۱
مالک ذوالقدر^۲

Vol 3, No 1(8) Spring 2025

Received Date: 09/09/2025

Accept Date: 12/15/2025

Article Type: Original Research

PP: 86-104



سال ۳، شماره ۴ (۱۱)، زمستان ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۳۰

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

صفحات: ۸۶ الی ۱۰۴



DOI: 10.22034/wasj.2026.589555.1143

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

شعار «جهان بزرگ تر از پنج است» که در گفتمان سیاسی ترکیه به طور مکرر استفاده می شود، فراتر از یک انتقاد لفظی به شورای امنیت سازمان ملل عمل کرده و روایتی چندلایه درباره حکمرانی جهانی، مشروعیت و توزیع قدرت ارائه می دهد. هدف این پژوهش تحلیل معانی گفتمانی و ژئوپلیتیکی این شعار و بررسی نقش آن در سیاست خارجی ترکیه است. این پژوهش با رویکردی کیفی و با بهره گیری از تحلیل تفسیری گفتمان انجام شده است. چارچوب نظری تحقیق بر ترکیبی از نظریه های روابط بین الملل شامل سازه انگاری، نشانه شناسی و نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه استوار است. داده های پژوهش از متون سیاسی، سخنرانی های رسمی و ادبیات نظری مرتبط با حکمرانی جهانی و سیاست خارجی ترکیه استخراج و به صورت تحلیلی تفسیر شده اند. یافته ها نشان می دهد که شعار «جهان بزرگ تر از پنج است» به طور همزمان در چند سطح عمل می کند: نخست، به عنوان نقدی نمادین از تمرکز قدرت در شورای امنیت؛ دوم، به عنوان ابزاری گفتمانی برای موقعیت یابی ژئوپلیتیکی ترکیه به عنوان یک قدرت میانه؛ و سوم، به عنوان سازوکاری ارتباطی برای جلب حمایت کشورهای جنوب جهانی از اصلاح نهادهای بین المللی. در نتیجه، این شعار را می توان نوعی گفتمان راهبردی دانست که از طریق آن ترکیه تلاش می کند هم مشروعیت ساختارهای موجود حکمرانی جهانی را به چالش بکشد و هم جایگاه دیپلماتیک و هویتی خود را در نظم بین المللی در حال گذار بازتعریف کند. این مقاله با ارائه مدلی سه سطحی و تلفیق سه چارچوب نظری، فراتر از پژوهش های پیشین نشان می دهد که کارکرد اصلی شعار مورد بحث، نه در محتوای ظاهری، بلکه در ساختار گفتمانی و فرایند دیگری سازی است و از این رهگذر، به ابزاری برای بازتعریف هویت استراتژیک ترکیه در نظم جهانی در حال گذار تبدیل شده است.

کلیدواژه ها:

مشروعیت، گفتمان، نظم جهانی، گذار، ترکیه.

۱ دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران، ایمیل: ismail.baniadam@iau.ac.ir

۲ دانشکده علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

مقدمه

از پایان جنگ جهانی دوم، نظام بین‌الملل تا حد زیادی بر پایه نهادهایی مانند سازمان ملل متحد و شورای امنیت شکل گرفته است. شورای امنیت که مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بر عهده دارد، شامل پنج عضو دائم با حق وتو یعنی: ایالات متحده آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا و فرانسه است. این ساختار بازتابی از توازن قدرت در پایان جنگ جهانی دوم بود، اما تحولات گسترده سیاست جهانی در قرن بیست و یکم بحث‌های فزاینده‌ای درباره مشروعیت و کارآمدی آن ایجاد کرده است.

در دهه‌های اخیر، نارضایتی قدرت‌های نوظهور و کشورهای جنوب جهانی از نهادهای حکمرانی جهانی که با وجود حرکت به سوی چندقطبی، بدون تغییر مانده و بازتاب‌دهنده واقعیت‌های کنونی نیستند. در چنین بستری، شعارهای سیاسی و روایت‌های دیپلماتیک به ابزاری کلیدی برای ابراز اعتراض به نظم موجود و معرفی الگوهای جایگزین برای حکمرانی جهانی تبدیل شده‌اند.

یکی از نمونه‌های برجسته این نوع گفتمان، شعار ترکیه با عنوان «جهان بزرگ‌تر از پنج است» است که بارها از سوی رئیس‌جمهور ترکیه، رجب طیب اردوغان، در مجامع بین‌المللی مطرح شده است. این شعار با انتقاد از حق وتوی پنج عضو دائم شورای امنیت، خواستار نظامی فراگیرتر و نماینده‌تر برای تصمیم‌گیری جهانی است. اگرچه این عبارت در ظاهر ساده به نظر می‌رسد، اما حامل پیامی سیاسی گسترده درباره عدالت جهانی، اصلاح نهادهای بین‌المللی و توزیع قدرت در نظام بین‌الملل است.

شعارهای مؤثر، مسائل پیچیده را به پیام‌های ساده و بسیج‌کننده تبدیل می‌کنند. شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» با تقابل عددی «جهان» در برابر «پنج»، نابرابری قدرت را به‌چالش کشیده و روایتی جایگزین مبتنی بر نمایندگی گسترده‌تر ارائه می‌دهد. این شعار در سیاست خارجی ترکیه به‌عنوان قدرت میانه، هم روایتی دیپلماتیک و هم ابزاری در قدرت نرم است. با وجود حضور گسترده، پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر نقد مستقیم شورای امنیت متمرکز بوده و از ابعاد گفتمانی، هویتی و نشانه‌شناختی غفلت کرده‌اند. این پژوهش با رویکرد تلفیقی لاکلاو و موفه و نشانه‌شناسی به تحلیل گفتمانی این شعار می‌پردازد. سؤال اصلی، نحوه مفصل‌بندی، کارکردهای گفتمانی-هویتی و ژئوپلیتیکی این شعار است و سه پرسش فرعی آن عبارت‌اند از: دال مرکزی و زنجیره هم‌ارزی، فرایند دیگری‌سازی، و نقش شعار در موقعیت‌یابی بین‌المللی ترکیه. هدف اصلی، کشف معانی سیاسی و نمادین پنهان در شعار، و هدف فرعی، ارائه مدلی مفهومی برای تحلیل کارکردهای چندسطحی شعارهای سیاسی در نظم جهانی در حال گذار است.

اهمیت این پژوهش در آن است که با تلفیق رویکرد لاکلاو و موفه و نشانه‌شناسی، چارچوبی نوین برای تحلیل گفتمان‌های سیاسی در روابط بین‌الملل ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که شعارهای سیاسی چگونه می‌توانند نقدی نهادی را به ادعایی هنجاری درباره عدالت، نمایندگی و مشروعیت در حکمرانی جهانی تبدیل کنند. همچنین، این پژوهش با ارائه مدل مفهومی سه‌سطحی، به ادبیات قدرت‌های میانه و راهبردهای گفتمانی آنها در نظام بین‌الملل کمک می‌کند. استدلال اصلی این پژوهش آن است که شعار مذکور را نمی‌توان صرفاً یک نقد نهادی تلقی کرد، بلکه باید آن را به‌مثابه «ابزاری برای بازتولید هویت سیاسی» در نظم جهانی در حال گذار درک نمود.

سهم علمی این پژوهش در سه محور اصلی خلاصه می‌شود: به‌کارگیری هم‌زمان سه چارچوب نظری

مکمل (سازهانگاری، نشانه‌شناسی و گفتمان لاکلائو و موفه) برای تحلیل نظام‌مند یک شعار سیاسی؛ ارائه مدلی سه‌سطحی که کارکردهای نهادی، ژئوپلیتیکی و گفتمانی را در الگویی یکپارچه تبیین می‌کند؛ و تأکید بر بُعد ارتباطی و نمادین شعار در جلب حمایت جنوب جهانی که در پژوهش‌های پیشین نادیده گرفته شده است. به عبارت روشن‌تر، این پژوهش فراتر از بازگویی نقد ترکیه از شورای امنیت، نشان می‌دهد که چگونه یک عبارت کوتاه سیاسی می‌تواند ابزاری برای هویت‌سازی بین‌المللی، ائتلاف‌سازی گفتمانی و موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی باشد. نوآوری مقاله در دو سطح است: نخست، نشان دادن اینکه شعار هم‌زمان سه کارکرد مجزا اما وابسته به هم دارد؛ دوم، ارائه مدلی که کارکرد اصلی شعار را در فرایند دیگری‌سازی می‌داند، نه در محتوای ظاهری آن؛ این مدل برای نخستین بار ارتباط دیالکتیکی میان این سه سطح را تبیین می‌کند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» به مثابه یک گفتمان سیاسی، چگونه از طریق فرایندهای مفصل‌بندی، هویت‌سازی و دیگری‌سازی به بازتعریف جایگاه ژئوپلیتیکی و هنجاری ترکیه در نظم جهانی در حال گذار کمک می‌کند؟

۱- پیشنهاد تحقیق

پژوهش‌های متعددی به بررسی مشروعیت نهادهای حکمرانی جهانی و ساختار شورای امنیت سازمان ملل متحد پرداخته‌اند. این شورا که بازتاب توازن قدرت پس از جنگ جهانی دوم است، با اعطای حق وتو به پنج عضو دائم جایگاهی استثنایی در نظام تصمیم‌گیری جهانی دارد (Al Shraideh, ۲۰۱۷: ۱۳۵). با این حال، تحولات قرن بیست و یکم و ناکامی‌های مکرر در مدیریت بحران‌های بین‌المللی در مناطق مختلف جهان موجب افزایش انتقادات نسبت به کارآمدی و مشروعیت این شورا شده است (Von Einsiedel et al., ۲۰۱۵: ۲). مطالعات مربوط به تغییرات در توزیع قدرت نیز نشان می‌دهند که با وجود حرکت نظام بین‌الملل به سوی چندقطبی شدن، معماری نهادی حکمرانی جهانی تغییر چندانی نکرده است (Wang, ۲۰۲۶: paras. ۴-۵). در نتیجه، بسیاری از کشورهای جهان این ساختارها را با واقعیت‌های معاصر جهان در تضاد می‌دانند و خواستار اصلاحات هستند؛ مطالباتی که به‌ویژه از سوی قدرت‌های میانه و دولت‌هایی که منعکس‌کننده آرمان‌های بین‌الملل‌گرایی لیبرال هستند مطرح می‌شود (Laatikainen, ۲۰۰۶: ۷۰-۷۱).

در این میان، پژوهش‌های حوزه دیپلماسی و تحلیل گفتمان نشان می‌دهند که روایت‌ها و شعارهای سیاسی به ابزارهایی مهم برای بیان نارضایتی از نظم موجود جهانی تبدیل شده‌اند (Benabdallah, ۲۰۲۴: ۱۶۲; Narlikar, ۲۰۲۶: ۲۶۷; Badreldin, ۲۰۲۵: ۹). شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» که بارها از سوی رئیس‌جمهور ترکیه مطرح شده است، نمونه‌ای برجسته از چنین گفتمانی محسوب می‌شود (Aral, ۲۰۱۹: ۷۱). برخی پژوهشگران آن را یکی از عناصر مرکزی نمایش هویت دیپلماتیک ترکیه دانسته‌اند که بیانگر نگاه راهبردی و هنجاری این کشور نسبت به نظم جهانی موجود است (Jung & Şehitoğlu, ۲۰۲۵: ۲۴۴-۲۴۵; Irkhin & Moskalenko, ۲۰۲۱: ۹۱; Kurşun, ۲۰۲۶: ۲۲-۲۳). پژوهش‌های جدیدتر نشان می‌دهند که قدرت‌های میانه از گفتمان‌های هنجاری برای کسب مشروعیت و افزایش نفوذ خود در نظام بین‌الملل استفاده می‌کنند (Petcu, ۲۰۲۵: ۱۹۱). در حوزه ارتباطات سیاسی نیز نشان داده شده است که شعارهای سیاسی می‌توانند با پیام‌هایی ساده و اثرگذار بر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی تأثیر بگذارند (Hartig, ۲۰۱۸).

۱۱۴: ۲۰۲۰; Karmazin, ۱۱۵). از منظر تحلیل گفتمان، شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» نمونه‌ای از گفتمان ضد هژمونیک دانسته می‌شود که می‌کوشد چارچوب بحث درباره مشروعیت نهادهای بین‌المللی را تغییر دهد (۳: para. ۲۵: ۲۰۲۵; İpek, ۳۹۹: ۲۰۲۳; Aral). همچنین، تحلیل‌های نشانه‌شناختی در گفتمان اردوغان در شعار نشانه‌ای نمادین از تقابل میان نظم جهانی و تغییر موازنه قدرت می‌باشد (Irkhin & Moskalenko, ۲۰۲۱: ۹۱). مطالعات سیاست خارجی ترکیه نیز نشان می‌دهند که این کشور در دو دهه اخیر با گسترش روابط دیپلماتیک در آفریقا، خاورمیانه و آسیا تلاش کرده است نقش خود را به عنوان یک قدرت میانه فعال تقویت کند (۲: para. ۲۶: ۲۰۲۶; Öztürk, ۱۷۵: ۲۰۲۵; Farag). در این چارچوب، شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» به عنوان بخشی از راهبرد قدرت نرم، دیپلماسی عمومی و روابط استراتژیک ترکیه تحلیل شده است (Jung & Şehitoğlu, ۲۰۲۵: ۲۴۴). با وجود این ادبیات غنی، پژوهش‌های موجود با نقدهای مهمی مواجه هستند. نخست، بیشتر این مطالعات شعار را عمدتاً نقدی مستقیم بر شورای امنیت دانسته‌اند و از واکاوی نظام‌مند ابعاد گفتمانی و هویتی آن غافل مانده‌اند. دوم، پژوهش‌هایی که به تحلیل گفتمان پرداخته‌اند، به سبب استفاده از رویکردهای محتوایی یا توصیفی، غفلت از روش‌شناسی نظام‌مند تحلیل گفتمان (مانند لاکلاو و موفه)، نادیده گرفتن کارکرد ارتباطی و نمادین شعار در جلب حمایت جنوب جهانی و بازتعریف هویت ترکیه، و فقدان چارچوبی یکپارچه برای تبیین ابعاد نهادی، ژئوپلیتیکی و گفتمانی، با کاستی‌هایی مواجه‌اند. اگرچه پژوهش‌های فوق به‌خوبی ابعاد مادی و نهادی موضوع را پوشش می‌دهند، اما کارکرد هویتی و دیگری‌سازی این شعار را نادیده گرفته‌اند و ارتباط دیالکتیکی میان سطوح مختلف آن توجه نکرده‌اند. پژوهش حاضر با به‌کارگیری رویکرد لاکلاو و موفه و نشانه‌شناسی، و با تحلیل نظام‌مند داده‌های اولیه (سخنرانی‌ها و بیانیه‌های رسمی) و ارائه مدل مفهومی سه‌سطحی، درصدد تبیین فرایندهای مفصل‌بندی، هویت‌سازی و دیگری‌سازی در این گفتمان است. در جمع‌بندی، می‌توان گفت که اگرچه پژوهش‌های پیشین به‌خوبی ابعاد مادی و نهادی موضوع را پوشش داده‌اند، اما از تحلیل نظام‌مند ابعاد گفتمانی، هویتی و نمادین این شعار غافل مانده‌اند. مقاله حاضر با به‌کارگیری رویکرد تلفیقی (سازه‌انگاری، نشانه‌شناسی و گفتمان لاکلاو و موفه) و ارائه مدلی سه‌سطحی، درصدد پر کردن این شکاف نظری و روش‌شناختی می‌باشد.

۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر تلفیقی از سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل، نشانه‌شناسی و رویکرد تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه^۱ استوار است. این تلفیق با توجه به همخوانی معرفت‌شناختی آنها (هر سه بر ساخت‌گرا و تفسیری هستند) و امکان تحلیل هم‌زمان ساختار، معنا و هویت، صورت گرفته است. سازه‌انگاری بر نقش ایده‌ها، گفتمان و هویت در سیاست بین‌الملل تأکید دارد و زبان سیاسی را در شکل‌دهی به هویت بین‌المللی دولت مؤثر می‌داند (۲۹: ۲۰۱۸; Uzer). از این دیدگاه، شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» تلاشی گفتمانی برای بازتعریف معنای قدرت جهانی و جایگاه ترکیه به عنوان نماینده جامعه بین‌المللی وسیع‌تر است.

نظریه نشانه‌شناسی نشان می‌دهد که زبان سیاسی از طریق نظام‌های نشانه‌ای عمل می‌کند و معنا از

ارتباط میان بیان‌های نمادین و چارچوب‌های مفهومی حاصل می‌شود. در این شعار، تقابل عددی «جهان» و «پنج» نمادی نیرومند از تضاد میان کثرت و تمرکز قدرت ایجاد می‌کند (Öcal, ۲۰۲۲: para. ۲). از این لحاظ، شعار به‌طور ضمنی مشروعیت نظم پس از ۱۹۴۵ را به چالش کشیده و شکاف میان واقعیت‌های کنونی و ساختارهای نهادی را آشکار می‌سازد. تلفیق سازه‌انگاری و نشانه‌شناسی نشان می‌دهد که تحولات بین‌المللی حاصل دگرگونی گفتمانی و نظام‌های دلالت‌پردازی است.

رویکرد لاکلاو و موفه (۲۰۱۴)، گفتمان را عرصه‌ی مناقشه بر سر معنا می‌داند. شعار با مفصل‌بندی دال «جهان» حول عدالت و کثرت‌گرایی، زنجیره‌ای هم‌ارز در برابر «دیگری» انحصارگر ساخته و ترکیه را سخنگوی جنوب جهانی معرفی می‌کند؛ این آنتاگونیسم، هویت ترکیه را بازتعریف و شعار را به دال تهی برای موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی در نظم چندقطبی بدل می‌کند.

- دال مرکزی: دالی که سایر دال‌ها را حول خود مفصل‌بندی کرده و به آنها معنا می‌بخشد.
- دال مرکزی: دالی که سایر دال‌ها را حول خود مفصل‌بندی کرده و به آنها معنا می‌بخشد.
- مفصل‌بندی: فرایند ایجاد ارتباط میان دال‌ها و تثبیت موقت معنا
- زنجیره هم‌ارزی: مجموعه دال‌هایی که در تقابل با «دیگری» قرار گرفته و هویتی یکپارچه می‌سازند.
- دیگری‌سازی: فرایند برجسته‌سازی «دشمن» یا «دیگری» برای تثبیت هویت «خود»

در این پژوهش، برای تحلیل شعار مورد نظر، از تلفیق سه چارچوب نظری مکمل استفاده شده است تا ابعاد مختلف آن به‌طور هم‌زمان بررسی شود. از منظر سازه‌انگاری، نقش هویت و هنجارها در شکل‌دهی به رفتار بین‌المللی ترکیه تبیین می‌شود و نشان داده می‌شود که چگونه این شعار به بازتعریف «خود» (به‌عنوان سخنگوی جنوب جهانی) در برابر «دیگری» (غرب و قدرت‌های پنج‌گانه) کمک می‌کند. در سطح نشانه‌شناسی، لایه‌های پنهان معنایی و تقابل‌های دوگانه‌ای مانند جهان/پنج و عدالت/استبداد واکاوی می‌شوند تا قدرت اقناعی و ماندگاری ذهنی شعار تبیین گردد. در چارچوب گفتمان لاکلاو و موفه نیز، فرایندهای مفصل‌بندی، شناسایی دال مرکزی، زنجیره هم‌ارزی و سازوکار دیگری‌سازی بررسی می‌شود تا ساختار گفتمانی و نحوه برساخت «دیگری» در برابر «جهان» توضیح داده شود. دلیل تلفیق این سه رویکرد آن است که هر یک به‌تنهایی ناقص است: سازه‌انگاری «چرایی» هویت‌سازی را توضیح می‌دهد اما «چگونگی» معناسازی را نشان نمی‌دهد؛ نشانه‌شناسی «چگونگی» ساخت معنا را تبیین می‌کند اما مکانیسم‌های سیاسی آن را روشن نمی‌سازد؛ و رویکرد لاکلاو و موفه «مکانیسم» مفصل‌بندی گفتمانی را نشان می‌دهد اما به بستر ساختاری و نهادی توجه کافی ندارد. بنابراین، این تلفیق سه‌گانه امکان تحلیلی جامع فراهم می‌آورد که در آن ساختار (نهادهای بین‌المللی)، معنا (نمادهای زبانی) و هویت (جایابی ترکیه) به‌طور هم‌زمان و در پیوند با یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش با روش‌شناسی کیفی و تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه و نشانه‌شناسی، شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» را به‌عنوان گفتمانی سیاسی در حکمرانی جهانی بررسی کرده و بر تفسیر مفهومی و تلفیق نظری آن متمرکز است تا نقش ایده‌ها، روایت‌ها و نمادها در شکل‌دهی به واقعیت‌های سیاسی را واکاوی کند (Ercan

می‌دهد چه عناصری از واقعیت به‌طور استراتژیک یا ضمنی در پیش‌زمینه یا پس‌زمینه گفتمان و متن قرار دارند (Van Hulst et al., ۲۰۲۵: ۷۴).

تحلیل نشانه‌شناختی نیز این روش‌شناسی نشان می‌دهد که عناصر نمادین شعار، نقدهای پیچیده نهادی را به روایت‌هایی اثرگذار و قابل فهم برای مخاطبان تبدیل می‌کنند و چارچوب‌بندی نمادین به‌عنوان پدیده‌ای زبانی-شناختی، ماندگاری ذهنی و قدرت اقناعی پیام‌های سیاسی را افزایش می‌دهد (Tameryan & Shaipova, ۲۰۲۴: ۱۰۵-۱۰۶). جامعه پژوهش، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و مصاحبه‌های رسمی اردوغان و مقامات وزارت خارجه ترکیه (۲۰۲۲-۲۰۲۶) با نمونه‌گیری هدفمند از ۱۱ متن (۴ سخنرانی، ۴ بیانیه رسمی و ۳ مصاحبه) است. تحلیل در دو مرحله انجام شد: کدگذاری محوری (۲۴ کد) و تحلیل گفتمانی بر اساس لاکلاو و موفه و نشانه‌شناسی برای بررسی ساختار گفتمان، هویت‌سازی، دیگری‌سازی و کارکرد نمادین اعداد. یافته‌ها با واقع‌گرایی و لیبرالیسم در گفت‌وگو قرار گرفته‌اند.

لیست ۲۴ کد محوری این پژوهش به‌صورت یکپارچه در سه سطح سطح نهادی (نقد ساختارهای بین‌المللی) (از ۱ تا ۱۰) عبارت‌اند از: نقد نهادی، عدالت جهانی، مشروعیت‌زدایی از شورای امنیت، نمایندگی عادلانه، اصلاحات ساختاری سازمان ملل، محدودسازی حق وتو، گسترش شورای امنیت با قدرت‌های نوظهور، تقویت مجمع عمومی، حکمرانی جهانی فراگیر، چندجانبه‌گرایی مؤثر؛ سطح ژئوپلیتیکی (موقعیت‌یابی راهبردی ترکیه) (از ۱۱ تا ۱۷) شامل: نظم جهانی در حال گذار، قدرت‌های میانه، موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی ترکیه، سخنگوی جنوب جهانی، هم‌ذات‌پنداری با کشورهای در حال توسعه، استقلال از قدرت‌های بزرگ، دیپلماسی قدرت نرم؛ و سطح گفتمانی-هویتی (مفصل‌بندی، دیگری‌سازی و هویت‌سازی) (از ۱۸ تا ۲۴) شامل: دیگری‌سازی (پنج عضو دائم به‌عنوان «دیگری»)، انحصارگرایی در برابر کثرت‌گرایی، تقابل عددی (جهان در برابر پنج)، کارکرد نمادین اعداد، زنجیره هم‌ارزی (جهان = عدالت = مشارکت = مشروعیت)، دال مرکزی («جهان» به‌عنوان دال مرکزی)، و بازتعریف هویت بین‌المللی ترکیه هستند.

۴- یافته‌ها

تحلیل نشان می‌دهد که شعار «دنیا بزرگ‌تر از پنج است» هم‌زمان در سه سطح نقد نهادی، موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی و کارکرد سیاسی عمل می‌کند و روایتی فشرده است که اصلاح حکمرانی جهانی را به منازعات قدرت، مشروعیت و نمایندگی پیوند می‌زند و کنشگران سیاسی از راهبردهای گفتمانی برای به چالش کشیدن سلسله‌مراتب نهادی و خلق روایت‌های جدید حکمرانی جهانی استفاده می‌کنند.

۴-۱ نقد نهادی بر حکمرانی جهانی

نخست، این شعار با برجسته‌سازی نابرابری عددی «پنج کشور» در برابر بقیه جهان، نقدی بر ساختار تصمیم‌گیری شورای امنیت و ناکارآمدی سازمان ملل در بحران‌های بین‌المللی است (Güldoğan, ۲۰۲۴: paras. ۶-۸). شعار به شکل ضمنی، مشروعیت دموکراتیک ساختاری سازمان ملل را زیر سؤال می‌برد و با وجود گسترش و تنوع نظام بین‌الملل از سال ۱۹۴۵، نفوذ نامتناسب و ناعادلانه پنج کشور را نمایان می‌کند.

(۱۰-۹: paras. ۲۰۲۵: Anadolu Ajansı). این نقد با اعتراضات گسترده‌تر در جامعه جهانی درباره بحران مشروعیت نهادهای بین‌المللی روبرو است؛ به نحوی که تداوم ترتیبات نهادی موجود نارضایتی رو به افزایش را در میان قدرت‌های نوظهور و قدرت‌های میانه ایجاد کرده است (۸: para. ۲۰۲۵: Kazinform) و ثبات آینده را نیازمند همکاری قدرت‌های متوسط با نهادهای بین‌المللی اصلاح‌شده می‌داند (۲۰۲۶: paras. Muggah, ۳-۱). اردوغان در سخنرانی خود در سازمان ملل (۲۰۲۴) اظهار داشت: آیا عادلانه است که سرنوشت ۱۹۳ کشور جهان در دست پنج کشور باشد؟ جهان بزرگ‌تر از پنج است. نظام جهانی باید بر اساس عدالت، مشارکت و نمایندگی عادلانه بازسازی شود. تحلیل نشانه‌شناختی و گفتمانی این سخنرانی:

- تقابل دوگانه: «جهان (۱۹۳ کشور)» در تقابل با «پنج کشور» قرار می‌گیرد. این تقابل، یک دوگانگی اخلاقی-سیاسی می‌سازد: کثرت/مشروعیت در برابر اقلیت/بی‌مشروعیتی.
- دال مرکزی: «جهان» به‌عنوان دال مرکزی ظاهر می‌شود که بار معنایی مثبت (عدالت، مشارکت، نمایندگی) را حمل می‌کند.
- زنجیره هم‌ارزی: «جهان = عدالت = مشارکت = مشروعیت = آزادی». این زنجیره، هویت «جهان» را به‌عنوان آرمانی هنجاری تثبیت می‌کند.
- دیگری‌سازی: «پنج کشور» به‌عنوان «دیگری» ساخته می‌شود که با مفاهیمی چون «انحصار»، «ظلم» و «سکوت» پیوند خورده است. این نقد با ادبیات گسترده‌تر درباره بحران مشروعیت نهادهای بین‌المللی هم‌خوانی دارد (۲۰۲۶: Wang, ۲۰۱۵: Von Einsiedel et al.). ترکیه با این چارچوب‌بندی، خود را در کنار «۱۹۳ کشور» (اکثریت جهانی) قرار می‌دهد و مشروعیت خود را از این هم‌ذات‌پنداری با اکثریت کسب می‌کند.

تحقیق نشان می‌دهد که ساختار کنونی سازمان ملل، به‌ویژه شورای امنیت، دچار نابرابری قدرت و نقص مشروعیت است. اصلاحات ضروری شامل محدودسازی حق وتو، افزودن قدرت‌های نوظهور به شورا، تقویت نقش مجمع عمومی و مشارکت بیشتر بازیگران غیردولتی است. شعار ترکیه («دنیا بزرگ‌تر از پنج است») نماد نارضایتی از این نابرابری‌ها و کندی اصلاحات است. این ناکارآمدی، همراه با احساس پاسخ‌گویی نداشتن قدرت‌های مسلط، کشورها را به اعتراض بیشتر و جستجوی مسیرهای دموکراتیک‌تر برای نظم جهانی نوین سوق می‌دهد تا از خطر یکجانبه‌گرایی بکاهند.

۲-۴ موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی و دیپلماسی قدرت میانه

این شعار نقش مهمی در راهبرد ژئوپلیتیکی ترکیه دارد و با تلاش این کشور برای تثبیت جایگاه خود به عنوان قدرت مستقل میانه در تحولات منطقه‌ای و جهانی پیوند خورده است (۱۸: ۲۰۲۵: TRT World). ترکیه با گسترش تعاملات خود در آفریقا، آسیا و خاورمیانه و تأکید بر چندقطبی شدن و اصلاح نهادهای جهانی، از شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» به‌عنوان ابزاری گفتمانی برای پیشبرد راهبرد ژئوپلیتیکی خود استفاده می‌کند (۲۵: ۲۰۲۶: Kurşun). این شعار در تقویت هویت ترکیه به‌عنوان قدرت میانه در منطقه و جهان نقش دارد و ترکیه از طریق آن، بر تغییر از جهت‌گیری‌های صرفاً غربی به سمت رویکردهای شرقی تأکید کرده و از این گفتمان برای مشروعیت‌بخشی به نقش فعال‌تر خود در سیاست جهانی بهره می‌گیرد (Mamadjonov).

۴۶: ۲۰۲۵). ترکیه با شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج» در مخالفت با تصمیم‌گیری انحصاری پنج قدرت بزرگ، به دنبال افزایش نفوذ سیاسی خود در قالب قدرت نرم است و در منطقه نیز از ترکیب قدرت نظامی، دیپلماسی و ابزارهای فرهنگی برای پررنگ‌تر کردن حضور خود استفاده می‌کند (Harutyunyan et al., ۲۰۲۵: ۱۲۵). اردوغان در اجلاس سران آفریقا (دسامبر ۲۰۲۳) گفت: «ما صدای آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین هستیم؛ نمی‌توانیم سکوت کنیم وقتی تصمیمات حیاتی در اتاق‌های بسته گرفته می‌شود. جهان بزرگ‌تر از پنج است و ترکیه در کنار ملت‌های خواهان عدالت و برابری است.» تحلیل گفتمانی این شعار نشان می‌دهد که ترکیه با هویت‌سازی به عنوان «صدای جنوب جهانی» و هم‌ذات‌پنداری با آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین، زنجیره هم‌ارزی «ترکیه = جهان = جنوب جهانی = عدالت = برابری» را ساخته و آن به عنوان نماد تصمیم‌گیری غیردموکراتیک و انحصاری، دیگری‌سازی می‌کند. این راهبرد به ترکیه امکان می‌دهد دامنه نفوذ دیپلماتیک و نمادین خود را گسترش دهد، بدون آنکه اتکای اصلی آن بر قدرت مادی باشد (Farag, ۲۰۲۵; Öztürk, ۲۰۲۶). پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که قدرت‌های میانه به‌طور فزاینده از گفتمان‌های هنجاری برای کسب مشروعیت و افزایش نفوذ خود استفاده می‌کنند (Efsthathopoulos, ۲۰۲۳; Petcu, ۲۰۲۵). در پشت شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است»، جهت‌گیری ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه، کاریزمای اردوغان و حس قوی او برای انتقال ترکیه از «پیرامون» به «مرکز» و همچنین صعود ترکیه به عنوان یک قدرت نوظهور و حمایت از چندقطبی در نظام بین‌المللی مشهود است (Aral, ۲۰۱۹: ۷۱).

اگرچه سخنرانی‌های مقامات ترکیه به‌خودی‌خود نشان‌دهنده ادعای این کشور برای سخنگویی جنوب جهانی است، اما شواهد تکمیلی نیز این ادعا را تقویت می‌کنند. برای نمونه، بیانیه مشترک وزیران خارجه گروهی از کشورهای آفریقایی در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۲۵، بر ضرورت اصلاح شورای امنیت تأکید کرده و صراحتاً از رویکرد ترکیه در شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» استقبال نموده‌اند (Anadolu Ajansı, ۲۰۲۵: paras. ۹-۱۰). همچنین، در نشست‌های جنبی اجلاس سران جنبش عدم‌تعهد در سال ۲۰۲۴، نمایندگان کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین، بارها به مواضع مشابه با گفتمان ترکیه اشاره کرده‌اند (Demirtaş, ۲۰۲۵: paras. ۱-۳). کشورهای مختلفی مانند هند و برزیل نیز چنین ادعایی دارند (Anadolu Ajansı: paras. ۴-۵). هرچند، هم‌صدایی ترکیه با ناراضیان نظام بین‌الملل، رهبری کامل آن را ثابت نمی‌کند، بلکه صرفاً نشان‌دهنده هم‌راستایی نسبی است. با این حال، ارزش این ادعا برای پژوهش در کارکرد گفتمانی آن در هویت‌سازی ترکیه نهفته است، و در تحقق خارجی آن نیست.

۳-۴ سطح گفتمانی-هویتی: مفصل‌بندی، هویت‌سازی و دیگری‌سازی

این سطح، هسته مرکزی تحلیل گفتمان بر اساس رویکرد لاکلائو و موفه را تشکیل می‌دهد. در اینجا، فرایندهای مفصل‌بندی، هویت‌سازی و دیگری‌سازی به‌صورت نظام‌مند تحلیل می‌شوند. دال مرکزی و مفصل‌بندی: دال مرکزی گفتمان «جهان» است که با بار معنایی مثبت (عدالت، مشارکت، آزادی، برابری) سایر دال‌ها را حول خود مفصل‌بندی کرده و در تقابل با «پنج» (نماد انحصار، بی‌عدالتی و استبداد) قرار می‌گیرد.

فرایند دیگری‌سازی: نخست، برجسته‌سازی انحصار وتو که به چند کشور اجازه تحمیل اراده خود بر جهان

را می‌دهد و آن را غیردموکراتیک و ناعادلانه می‌خواند؛ دوم، طرد «پنج کشور» از جامعه بین‌المللی که در گفتمان ترکیه به‌عنوان مجموعه ۱۹۳ کشور تعریف می‌شود.

هویت‌سازی گفتمان: یک، سخنگوی جنوب جهانی به‌عنوان نماینده کشورهای در حال توسعه و مظلومان؛ دو، قدرت میانه مستقل که به هیچ بلوکی وابسته نیست؛ و سه، مدافع عدالت جهانی که خواهان اصلاحات در نهادهای بین‌المللی است. نکته حائز اهمیت آنکه این سه سطح در عمل به‌صورت دیالکتیکی یکدیگر را تقویت می‌کنند. برای نمونه، نقد نهادی شورای امنیت (سطح یک) بدون ساخت «پنج» به‌عنوان «دیگری» انحصارگر (سطح سه)، صرفاً یک انتقاد فنی می‌ماند که قدرت بسیج‌کنندگی ندارد. اما هنگامی که این نقد نهادی با فرایند دیگری‌سازی همراه می‌شود، زمینه را برای موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی ترکیه به‌عنوان سخنگوی جنوب جهانی (سطح دو) فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، مشروعیت‌زدایی از شورای امنیت (سطح یک) از طریق دیگری‌سازی عددی (سطح سه) به اهرمی برای افزایش نفوذ دیپلماتیک ترکیه (سطح دو) تبدیل می‌شود.

۴-۴- ابعاد معنایی و کارکرد سیاسی شعار در رویکرد نظریه‌ها

کاربست چارچوب نظری نشان می‌دهد که شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» گفتمانی راهبردی و چندلایه است که هم‌زمان در سطوح نهادی، ژئوپلیتیکی و گفتمانی-هویت‌ی عمل می‌کند. یافته‌ها در گفت‌وگو با واقع‌گرایی و لیبرالیسم بررسی شده‌اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که قدرت‌های میانه با استفاده راهبردی از نقدهای هنجاری، ساختارهای حکمرانی جهانی را به چالش کشیده و دامنه کنشگری خود را افزایش می‌دهند (Aydın-Düzgüt, ۲۰۲۳: ۲۳۱۹; Zhiyenbayev, ۲۰۲۳: ۱۴). از منظر واقع‌گرایی، این شعار را می‌توان به عنوان ابزاری راهبردی تفسیر کرد که یک قدرت میانه برای افزایش نفوذ خود در سیاست جهانی به کار می‌گیرد (Kardaş et al., ۲۰۲۵: ۱۱). واقع‌گرایان بر این باورند که دولت‌ها در نظام بین‌الملل آنارشیک در پی منافع ملی خود هستند و قدرت همچنان مهم‌ترین منبع در تعاملات بین‌المللی محسوب می‌شود (DiCicco, ۲۰۱۳: ۱۱۸۷-۱۱۸۸). در چارچوب این شعار، انتقاد از شورای امنیت می‌تواند تلاشی برای به چالش کشیدن ترتیبات نهادی تلقی شود که به قدرت‌های بزرگ موجود امتیاز می‌دهد و ظهور بازیگران جدید را محدود می‌کند (Celik, ۲۰۲۴: para. ۸). بنابراین، شعار ابزاری بلاغی برای نشان دادن خواست ترکیه برای نقش پررنگ‌تر در تصمیم‌گیری بین‌المللی است، اما تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد که واقع‌گرایی برای تبیین کامل آن ناکافی است؛ چون نقش هویت و گفتمان را نادیده می‌گیرد و این شعار بخشی از فرایند هویت‌سازی ترکیه به‌عنوان سخنگوی جنوب جهانی است و صرفاً ابزاری برای افزایش قدرت نیست (Uzer, ۲۰۱۸). دوم، این شعار به هنجارهایی مانند عدالت، مشارکت و مشروعیت متوسل می‌شود که در واقع‌گرایی جایگاهی ندارند. موفقیت آن در جلب حمایت جنوب جهانی نشان می‌دهد که قدرت ارتباطی و نمادین آن دست‌کم به اندازه قدرت مادی اهمیت دارد (Hartig, ۲۰۱۸; Karmazin, ۲۰۲۰). بنابراین، واقع‌گرایی هرچند می‌تواند جنبه‌هایی از کارکرد راهبردی شعار را توضیح دهد، اما برای درک ابعاد گفتمانی، هویتی و ارتباطی آن کافی نیست.

نهادگرایان لیبرال بر اساس اصول چندجانبه‌گرایی، نهادهای هنجاری و وابستگی متقابل بنا شده است؛ به نحوی که نقش نهادها و رفتار سیاست خارجی دولت‌ها بر اساس همکاری، صلح و نظم بین‌الملل تعریف می‌شود (Johnson & Heiss, ۲۰۲۳: ۱۲۰). در سال‌های اخیر، نظام بین‌الملل وارد دوره عمیقی از دگرگونی

شده است که با فرسایش نهادی و تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی همراه بوده است و پایه‌های ساختاری این نظم به طور پیوسته تضعیف شده است (Atan, ۲۰۲۵: ۲). از این منظر، شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» نقدی هنجاری بر نظام وتوی شورای امنیت است که با اصول برابری حاکمیتی دولت‌ها، حکمرانی دموکراتیک و نهادگرایی لیبرال در تضاد است (Alkin, ۲۰۲۴: para. ۴). یافته‌های این پژوهش تا حدی با این دیدگاه هم‌خوان است، زیرا شعار به‌صراحت خواستار اصلاحات نهادی و نمایندگی عادلانه‌تر در سازمان ملل است (Anadolu Ajansı, ۲۰۲۵). با این حال، تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد که این شعار فراتر از درخواست اصلاحی، به بازتعریف هویت ترکیه و ائتلاف‌سازی هویتی با جنوب جهانی می‌پردازد و روایتی جایگزین از نظم جهانی ارائه می‌کند که در آن ترکیه نقشی محوری دارد. همچنین، برخلاف لیبرالیسم نهادی که بر همکاری تأکید دارد، این گفتمان بر منازعه و چالش با ساختارهای موجود متمرکز است (Morse & Keohane, ۲۰۱۴). این نشان می‌دهد که شعار بیش از آنکه یک دعوت به همکاری باشد، یک گفتمان اعتراضی است که به دنبال تغییر بنیادین در توزیع قدرت است.

تحلیل سازه‌نگارانه بر نقش گفتمان در شکل‌دهی به هویت‌های سیاسی تأکید دارد. این شعار با چارچوب‌بندی سیاست جهانی به‌عنوان تقابل «جهان» و «پنج قدرت»، روایتی می‌سازد که ترکیه را در کنار اکثریت جهانی و به‌عنوان بازیگری محوری در سیاست بین‌الملل معرفی می‌کند (Jung & Şehitoğlu, ۲۰۲۵: ۲۴۷). فرایند هویت‌سازی برای قدرت‌های میانه که می‌کوشند برای تغییر جایگاه کشور در جامعه بین‌المللی و ایجاد تغییرات هنجاری در سیاست جهانی اثر بگذارند اهمیت اساسی دارد (Hynd, ۲۰۲۵: ۱). تحلیل نشانه‌شناختی نیز نشان می‌دهد که چگونه از طریق سادگی نمادین یک شعار می‌توان به اثربخشی ارتباطی قوی دست یافت و مخاطبان گسترده‌ای را جذب کند (Mangad et al., ۲۰۲۴: ۱). چنین راهبرد بلاغی در رقابت بر سر معنا در عرصه سیاست بین‌الملل نقش مهمی ایفا می‌کند و شعار را اقناع‌کننده و تأثیرگذار می‌سازد (FleishmanHillard, ۲۰۲۳: para. ۳). این ویژگی‌ها در تحلیل نشانه‌شناختی شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» نیز قابل بررسی و استناد هستند و نشان می‌دهد که ترکیه چگونه از طریق سادگی نمادین این شعار به اثربخشی ارتباطی دست می‌یابد. تقابل میان نماد عددی «پنج» و «جهان» انتقادی پیچیده از یک ساختار نهادی را به پیامی ساده، به‌یادماندنی با بار سیاسی زیاد تبدیل می‌کند.

۵-۴ دلالت‌های نظری و عملی بر اساس مدل مفهومی سه‌سطحی

این پژوهش یک مدل سه‌سطحی برای تحلیل شعارهای سیاسی ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد هر شعار مؤثر، همزمان در سه سطح نهادی، ژئوپلیتیکی و هویتی عمل می‌کند. در سطح نهادی، شعار ناکارآمدی و بی‌مشروعیتی نهادهای جهانی را برجسته می‌سازد و خواهان اصلاحات است. در سطح ژئوپلیتیکی، شعار به کشور کمک می‌کند تا جایگاه خود را در نظام بین‌الملل مشخص کند، با ائتلاف‌هایی مثل جنوب جهانی هم‌ذات‌پنداری نماید و نقش مستقلی ایفا کند. در سطح هویتی نیز شعار، هویت ملی را بازتعریف کرده و «دیگری» را از طریق مفاهیم کلیدی، زنجیره‌های هم‌ارزی و برجسب‌های اخلاقی می‌سازد. نتیجه آن که شعارهای سیاسی را نمی‌توان به یک کارکرد تقلیل داد و این مدل برای تحلیل شعارهایی مانند «آمریکا اول» یا «چین رویایی» در نظم جهانی در حال گذار نیز قابل استفاده است.

یافته‌های این پژوهش دارای دلالت‌های عملی مهمی نیز است: نخست، قدرت‌های میانه می‌توانند از گفتمان‌های هنجاری و روایت‌سازی برای افزایش نفوذ خود در نظام بین‌الملل استفاده کنند، بدون آنکه نیاز به افزایش توان نظامی یا اقتصادی داشته باشند (Petcu, ۲۰۲۵; Efsthopoulos, ۲۰۲۳). دوم، شعارهای سیاسی که بر تقابل‌های اخلاقی (مانند عدالت/ظلم، مشارکت/انحصار) استوارند، می‌توانند به سرعت در میان کشورهای جنوب جهانی و افکار عمومی بین‌المللی حمایت جلب کنند (Badreldin, ۲۰۲۶; Narlikar, ۲۰۲۵). سوم، اصلاحات نهادهای بین‌المللی نه تنها یک ضرورت کارکردی، بلکه یک ضرورت مشروعیتی است. نهادهایی که نتوانند خود را با واقعیت‌های جهان چندقطبی تطبیق دهند، با چالش‌های گفتمانی فزاینده‌ای از سوی قدرت‌های میانه و نوظهور مواجه خواهند شد (Wang, ۲۰۲۶).

مدل سه‌سطحی ارائه‌شده در این پژوهش، نوآوری خود را نه در خود سطوح (نهاد، ژئوپلیتیک، گفتمان) که در تبیین ارتباط دیالکتیکی میان آن‌ها می‌جوید. هر یک از این سطوح پیش‌تر در پژوهش‌های قدرت‌های میانه یا نقد نهادها وجود داشته، اما تازگی کار در نشان دادن این است که یک شعار سیاسی موفق هم‌زمان در هر سه سطح عمل می‌کند و این هماهنگی لایه‌ای است که به آن تأثیر راهبردی می‌بخشد. مدل نشان می‌دهد که نقد نهادی (سطح یک) بدون هویت‌سازی و دیگری‌سازی (سطح سه) ظرفیت بسیج‌کنندگی ندارد و موقعیت‌یابی ژئوپلیتیکی (سطح دو) بدون نقد نهادی فاقد مشروعیت هنجاری است؛ از این رو، کارکرد دیگری‌سازی نقش حلقه‌ی اتصال این سه سطح را ایفا می‌کند. این چارچوب، صرفاً ترکیب سه حوزه‌ی تحلیلی مجزا نیست، بلکه برای نخستین بار تبیین می‌کند که چگونه یک شعار سیاسی می‌تواند هم‌زمان نقد نهادی، ابزار ژئوپلیتیکی و سازوکار هویت‌سازی باشد و قابلیت تعمیم به شعارهایی چون «آمریکا اول» یا «روای چینی» را نیز دارد.

بحث

این پژوهش نشان می‌دهد شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» در سه سطح عمل می‌کند: نهادی (نقد نابرابری شورای امنیت)، ژئوپلیتیکی (معرفی ترکیه به عنوان سخنگوی جنوب جهانی و قدرت مستقل)، و گفتمانی-هویتی (دیگری‌سازی اعضای دائم و هم‌ارزی عدالت، مشارکت و مشروعیت). این سه سطح در تعامل دیالکتیکی، شعار را به ابزاری برای هویت‌سازی راهبردی و ائتلاف‌سازی در نظم چندقطبی تبدیل کرده و جایگاه دیپلماتیک ترکیه را بازتعریف می‌کنند.

یکی از پیامدهای کلیدی یافته‌ها به اهمیت فزاینده گفتمان و قدرت نمادین در شکل‌دهی به سیاست جهانی مربوط می‌شود. در حالی که رویکرد واقع‌گرایی عمدتاً بر قابلیت‌های مادی قدرت تأکید دارد (Payne, ۲۰۰۷: ۵۰۳)، دیدگاه‌های سازه‌نگارانه و انتقادی استدلال می‌کنند که روایت‌ها، زبان و راهبردهای بلاغی می‌توانند نقش اساسی و سازنده‌ای در دیپلماسی روابط بین‌الملل به طور گسترده‌تر ایفا کنند (Falkeström, ۲۰۲۱: ۴۵). ماهیت شعار ترکیه نشان می‌دهد که راهبرد گفتمانی نه تنها برای ارتباطات دیپلماتیک اهمیت دارد، بلکه در واکنش به کاستی‌های نظم لیبرال و مشروعیت کشورهای تحت سلطه نیز پیامدهایی جدی به همراه دارد (Duran, ۲۰۲۶: para. ۵).

پیامد مهم دیگر شعار، به عنوان راهبردی است که فراتر از نقد شورای امنیت، به منازعات عمیق‌تر بر

سر اقتدار، نمایندگی و مشروعیت در حکمرانی جهانی می‌پردازد. قدرت‌های میانه مانند ترکیه با استفاده از این شعار و کنشگری دیپلماتیک و گفتمان‌های ارزش‌محور، ادعای رهبری هنجاری کرده و خود را سخنگوی جنوب جهانی معرفی می‌کنند (Dal, ۲۰۱۴: ۱۳۱-۱۳۲).

با وجود ادعای ترکیه مبنی بر سخنگویی جنوب جهانی، شواهد نشان می‌دهد که کشورهای کلیدی جنوب جهانی مانند هند، برزیل و آفریقای جنوبی نیز چنین ادعایی دارند و هم‌صدایی با ترکیه لزوماً به معنای پذیرش رهبری آن نیست. به عبارت دیگر، کارکرد گفتمانی این شعار برای هویت‌سازی ترکیه موفق بوده، اما در سطح عملی، ترکیه هنوز فاصله زیادی با تبدیل شدن به «رهبر» جنوب جهانی دارد.

استدلال این مقاله این است که، این شعار بازتاب‌دهنده پراکندگی فزاینده قدرت در جهانی چندقطبی است و نشان می‌دهد که حکمرانی جهانی دیگر صرفاً توسط قدرت‌های بزرگ شکل نمی‌گیرد و دولت‌های میانی به‌طور فزاینده می‌کوشند سلسله‌مراتب تثبیت‌شده را بی‌اعتبار کنند و دستور کارهای اصلاح‌طلبانه را پیش ببرند. بحث همچنین توانایی ارتباطات سیاسی در تبدیل نقدهای پیچیده نهادی به پیام‌هایی با گفتمان اعتراضی را برجسته می‌کند. ساختار این شعار، با تقابل میان «جهان» و گروه کوچکی متشکل از پنج دولت، مباحث پیچیده مربوط به حق وتو، مشروعیت و ایستایی نهادی را ساده‌سازی می‌کند و از طریق چارچوب‌بندی نمادین، این شعار به برداشت‌های فراگیر از بی‌عدالتی در حکمرانی جهانی متوسل می‌شود (İpek, ۲۰۲۵: para. ۳).

در نهایت، این شعار پیامدهای اعتراضی گسترده‌تری برای مباحث جاری درباره مشروعیت و اصلاح نهادی سازمان ملل به همراه دارد (Dincel, ۲۰۲۵: para. ۱). پژوهش‌های مربوط به چندجانبه‌گرایی منازعه‌آمیز نشان می‌دهند که نارضایتی از نهادهای جهانی اغلب از طریق چالش‌های گفتمانی بروز می‌یابد که عدم توازن نمایندگی و ناکارآمدی‌های حکمرانی را برجسته می‌کنند (Morse & Keohane, ۲۰۱۴: ۳۸۵). در عین حال، این شعار نشان می‌دهد که چگونه قدرت‌های میانه و نوظهور جهانی به‌طور راهبردی از گفتمان برای گسترش مباحث مربوط به انصاف نهادی استفاده می‌کنند و تأکید می‌کنند که اصلاح، نه صرفاً یک ترجیح سیاسی، بلکه شرطی ضروری برای بازسازی مشروعیت نهادهای چندجانبه است (Khmer Times, ۲۰۲۳: paras. ۵-۶). این پژوهش حاضر، شعار بخشی از گفتمانی جهانی است که پایداری نهادهای پس از ۱۹۴۵ را به چالش می‌کشد. این شعار فراتر از نقد شورای امنیت، ابزاری روایی برای بیان چالش‌های گسترده‌تر علیه سلسله‌مراتب قدرت، پیشبرد دستور کارهای اصلاح‌طلبانه و کسب نفوذ هنجاری در نظم بین‌المللی در حال تحول است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» فراتر از نقدی بلاغی بر شورای امنیت، روایتی راهبردی چندلایه است که در سطوح نهادی، ژئوپلیتیکی، ارتباطی و هنجاری عمل می‌کند و با رویکرد تلفیقی، هم بازتاب‌دهنده تحولات ساختاری و هم بیانگر عاملیت قدرت‌های میانه در جستجوی صدای بیشتر و مشروعیت بالاتر در حکمرانی جهانی است.

در سطح نهادی، شعار نقدی بر نظم پس از ۱۹۴۵ و تمرکز قدرت در نظام وتوی شورای امنیت است و با برجسته‌سازی نابرابری عددی و اخلاقی، مباحث نمایندگی، مشروعیت و اصلاح نهادی را به‌صورت ساده و اثرگذار بیان می‌کند. این یافته با ادبیات جدید هم‌خوان است که نشان می‌دهد نارضایتی از نهادهای جهانی

از طریق چالش‌های گفتمانی بروز می‌یابد. از این منظر، شعار بازنمایی نمادین بحران مشروعیت نهادهای چندجانبه در جهانی چندقطبی است.

از منظر ژئوپلیتیکی، شعار در موقعیتیابی ترکیه به‌عنوان قدرت میانه فعال نقش محوری دارد و با تکرار آن در مجامع بین‌المللی، ترکیه خود را با ائتلاف‌های اصلاح‌طلب جنوب جهانی همسو می‌سازد و دامنه نفوذ دیپلماتیک خود را بدون اتکا به قدرت مادی گسترش می‌دهد. این شعار نمونه‌ای از استفاده قدرت‌های میانه از گفتمان هنجاری و روایت‌سازی دستورکار محور به‌عنوان اهرم ژئوپلیتیکی در نظامی با پراکندگی قدرت و اقتدار منازعه‌آمیز است.

این مطالعه اهمیت گفتمان، نمادپردازی و ارتباطات سیاسی را برجسته کرده و نشان می‌دهد که اثربخشی شعار در سادگی زبانی، نمادپردازی عددی و چارچوب‌بندی اخلاقی آن نهفته است. تحلیل نشانه‌شناختی و گفتمانی نشان می‌دهد که این شعار با ساختن تقابل دوتایی میان تمرکز قدرت و تکثر جهانی، روایت‌های انصاف، کم‌نماینده‌گی و هویت جمعی را بسیج می‌کند. این بُعد ارتباطی توضیح می‌دهد که چرا شعار از محافل نخبگانی فراتر رفته و وارد مباحث عمومی و دانشگاهی شده است.

در سطح هنجاری و هویتی، این شعار به شکل‌دهی تصویر ترکیه به‌عنوان مدافع عدالت جهانی و نمایندگی برابر کمک کرده و با معرفی خود به‌عنوان صدای «اکثریت جهانی»، موقعیتیابی هنجاری برای افزایش مشروعیت و نفوذ در مناقشات نظم جهانی را دنبال می‌کند. این هویت‌سازی پیامدهای عملی در شکل‌دهی هنجارها، دستورکارهای اصلاحی و ادعای رهبری دارد. در جمع‌بندی، شعار گفتمانی راهبردی است که نقد نهادی، جاه‌طلبی ژئوپلیتیکی، اثربخشی ارتباطی و ادعاهای هنجاری را پیوند می‌زند و بر اهمیت فزاینده گفتمان و روایت در حکمرانی جهانی و نقش قدرت‌های میانه در به چالش کشیدن سلسله‌مراتب و بازاندیشی نظم بین‌المللی تأکید دارد.

این پژوهش نشان داد که شعار «جهان بزرگ‌تر از پنج است» را باید به‌مثابه یک گفتمان راهبردی چندلایه درک کرد که هم‌زمان در سه سطح نهادی، ژئوپلیتیکی و گفتمانی-هویتی عمل می‌کند. سهم اصلی مقاله در ادبیات موجود، فراتر رفتن از تحلیل‌های توصیفی صرف و ارائه یک چارچوب تحلیلی تلفیقی (سازه‌انگاری، نشانه‌شناسی، لاکلائو و موفه) است که از طریق آن، فرایندهای پنهان معناسازی، دیگری‌سازی و هویت‌سازی در این شعار آشکار می‌شود. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر محتوای شعار متمرکز بودند، این مقاله نشان داد که کارکرد اصلی این شعار در ساختار گفتمانی آن، یعنی در تقابل «جهان» (به‌عنوان دال مرکزی عدالت) با «پنج» (به‌عنوان دیگری انحصارگر) نهفته است. در این مقاله، دو راهکار عملی برای سیاست‌گذاری ارائه شده است: نخست، کشورهای قدرت میانه می‌توانند با بهره‌گیری از گفتمان‌های اعتراضی و چارچوب‌بندی اخلاقی (محوریت عدالت و مبارزه با ظلم)، به‌جای اتکای صرف به قدرت مادی، نفوذ سیاسی و ائتلاف‌سازی خود را در سطح جهانی تقویت کنند. دوم، نهادهای بین‌المللی برای بازسازی مشروعیت از دست‌رفته‌شان، ناچار به بازنگری در ساختارهای ناعادلانه هستند؛ زیرا شعارهایی مانند «جهان بزرگ‌تر از پنج است» توانسته‌اند شکاف مشروعیتی این نهادها را به چالش کشیده و آن را به مسئله‌ای گفتمانی-هویتی در افکار عمومی جهان تبدیل کنند.

منابع

1. Al Shraideh, S. (2017). The Security Council's Veto in the Balance. *JL Pol'y & Globalization*, 58, 135-145.
2. Alkin, K. (2024, March 5). Restructuring is the urgent remedy for global governance. *Daily Sabah*. <https://www.dailysabah.com/opinion/columns/restructuring-is-the-urgent-remedy-for-global-governance>
3. Anadolu Ajansı. (2025, October 25). Türkiye reiterates calls for «more effective and transparent» UN. Anadolu Ajansı. <https://anadolujansi.com/en/turkiye/turkiye-reiterates-calls-for-more-effective-and-transparent-un/3726265>
4. Anadolu Ajansı. (2024, September 26). World leaders call for UN reforms, citing failures in addressing conflicts and inequality. *The Express Tribune*. <https://tribune.com.pk/story/2498797/world-leaders-call-for-un-reforms-citing-failures-in-addressing-conflicts-and-inequality#1>
5. Aral, B. (2019). The world is bigger than five. *Insight Turkey*, 21(4), 71-96.
6. Aral, B. (2023). Turkey's voting preferences in the UN General Assembly during the AK Party Era as a counterchallenge to its 'new' foreign policy. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 25(3), 399-439.
7. Atan, Y. G. (2025). *Political and Economic Crises in International Political Economy*. Liberty Publishing House.
8. Aydın-Düzgit, S. (2023). Authoritarian middle powers and the liberal order: Turkey's contestation of the EU. *International Affairs*, 99(6), 2319-2337.
9. Badreldin, A. (2026). *Neoliberal globalization and civil unrest: causes, hotspots, and dynamics of protests against global neoliberal organizations* (Doctoral dissertation, Anglia Ruskin Research Online (ARRO)).
10. Benabdallah, L. (2024). The liberal international order as an imposition: A postcolonial reading. *Ethics & International Affairs*, 38(2), 162-179.
11. Burjanadze, E. (2025, April 29). Highlight 23/2025: The quiet force: Middle powers and their role in the future of multilateral diplomacy. MEIG. <https://www.meig.ch/highlight-23-2025-the-quiet-force-middle-powers-and-their-role-in-the-future-of-multilateral-diplomacy/>
12. Celik, M. (2024, September 25). OPINION - President Erdogan's UNGA speech: From Gaza to the «world is bigger than five». Anadolu Ajansı. <https://anadoluagency.com/en/opinion/opinion-president-erdogan-s-unga-speech-from-gaza-to-the-world-is-bigger-than-five/3340985>
13. Dal, E. P. (2014). Turkey's Middle Powe Diplomacy: A new tool for a new era? *Turkish Studies*, 15(1), 131-154.

14. Demirtaş, T. (2025, April 18). OPINION - Africa reflected at the Antalya Diplomacy Forum: Diplomatic wisdom in action. Anadolu Ajansı. <https://www.aa.com.tr/en/africa/opinion-africa-reflected-at-the-antalya-diplomacy-forum-diplomatic-wisdom-in-action/3541797>
15. DiCicco, J. (2013). Realism in international relations. In Encyclopedia of military science (Vol. 4, pp. 1187-1188). SAGE Publications, Ltd.
16. Dincel, S. (2025, September 22). Türkiye's motto 'world is bigger than five' embodies vision for humanity's shared future: President. Anadolu Ajansı. <https://www.aa.com.tr/en/turkiye/turkiyes-motto-world-is-bigger-than-five-embodies-vision-for-humanitys-shared-future-president/3694987>
17. Duran, B. (2026, May 8). Head of Communications Duran speaks at Western Platform Programme. Directorate of Communications. <https://www.iletisim.gov.tr/English/haberler/detay/head-of-communications-duran-speaks-at-western-platform-programme>
18. Efsthopoulos, C. (2023). Global IR and the middle power concept: exploring different paths to agency. Australian Journal of International Affairs, 77(2), 213-232.
19. Ercan, S. A., & Marsh, D. (2016). 21 Qualitative methods in political science. Handbook of research methods and applications in political science, 309-322.
20. Falkestrøm, G. W. (2020). The constitutive power of strategic narratives in diplomatic negotiations: A study of the Danish and Norwegian peace engagement in the Philippines (PhD dissertation). University of Southern Denmark.
21. Farag, M. I. H. (2025). Middle Powers in a Multipolar World: The Case of Turkey's Foreign Policy Repositioning. International Journal of Contemporary Security Studies, 1(2), 175-188.
22. FleishmanHillard. (2023, January 30). Political slogans: enticing or apathetic? FleishmanHillard. <https://fleishmanhillard.co.uk/2023/01/political-slogans-enticing-or-apathectic/>
23. Güldoğan, D. (2024, September 23). UN unable to 'display leadership' to meet current global challenges: Turkish foreign minister. Anadolu Ajansı. <https://www.aa.com.tr/en/middle-east/un-unable-to-display-leadership-to-meet-current-global-challenges-turkish-foreign-minister/3338903>
24. Hartig, F. (2018). Political slogans as instruments of international government communication—the case of China. The Journal of International Communication, 24(1), 115-137.
25. Harutyunyan, G., Vardazaryan, M., & Jilavyan, S. (2025). Dynamics of Russian-Turkish Relations after the Second Karabakh War: New Priorities of National Interests and Strategies of Struggle in the South Caucasus. Journal of Political Science: Bulletin of Yerevan University, 4(1 (10)), 125-141.
26. Hynd, A. M. (2025). Repositioning middle powers in international hierarchies of status and order. International Relations, 00471178251319723ö, 1-25.

27. İpek, C. D. (2025, October 17). Erdoğan's manifesto for international relations in the age of flux. Daily Sabah. <https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/erdogans-manifesto-for-international-relations-in-the-age-of-flux>
28. Irkhin, A. A., & Moskalenko, O. A. (2021). "The World is Bigger than Five". Turkey's Emergence as a Global Actor in World Politics: Prospects and Challenges for Russia. *Vestnik RUDN. International Relations*, 21(1), 91-107.
29. Johnson, T., & Heiss, A. (2023). Liberal institutionalism. In *International organization and global governance* (pp. 120-132). Routledge.
30. Jung, G., & Şehitoğlu, R. (2025). Pursuing Identity as a Global Power: Sport as a Nexus for Public Diplomacy and Strategic Communication in the Century of Türkiye. *Romaya Journal*, 5(1), 244-253.
31. Kardaş, Ş., Sinkaya, B., & Pehlivan Türk, B. (2025). Scope, drivers and manifestations of the realist turn in Turkish foreign policy: a case of delayed strategic adjustment. *Southeast European and Black Sea Studies*, 25(1), 11-30.
32. Karmazin, A. (2020). Slogans as an organizational feature of Chinese politics. *Journal of Chinese Political Science*, 25(3), 411-429.
33. Kazinform. (2025, November 10). Why reform the UN: Role of middle powers and ineffectiveness of the current architecture. Kazinform News Agency. <https://qazinform.com/news/why-reform-the-un-role-of-middle-powers-and-ineffectiveness-of-the-current-architecture-444d11>
34. Khmer Times. (2023, October 31). What waits the UN order? Khmer Times. <https://www.khmertimeskh.com/501385594/what-waits-the-un-order/>
35. Kurşun, A. M. (2026). The dissolution of the rules-based order: The global age of normlessness and Türkiye's strategic role. SETA Publication.
36. Laatikainen, K. V. (2006). Pushing soft power: middle power diplomacy at the UN. In *The European Union at the United Nations: Intersecting Multilateralisms* (pp. 70-91). London: Palgrave Macmillan UK.
37. Laclau, E., & Mouffe, C. (2014). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics*. Verso.
38. Mamadjonov, A. (2025). Turkish World" strategy of Turkey's soft power in Central Asia: opportunities and challenges. *International Journal of History and Political Sciences*, 5(5), 46-51.
39. Mangad, J. V., Gaston, R. H., & Ulla, M. B. (2024). Examining the rhetorical landscape of political campaign slogans in the Philippines: a rhetorical-semantic analysis. *Cogent Arts & Humanities*, 11(1), 2417510, 1-13.

40. Morse, J. C., & Keohane, R. O. (2014). Contested multilateralism. *The Review of international organizations*, 9(4), 385-412.
41. Muggah, R. (2026, April 28). 7 reasons the old order broke — and how it might be repaired. World Economic Forum. <https://www.weforum.org/stories/preview/4dcd2fa7-0480-4c6c-968b-b65a38c6e41f/>
42. Narlikar, A. (2025, March). When the tables turn: the Global South in an era of instability. In Lincei Conference 'The Future of Humankind. Framing World Interdependence', Rome (Vol. 31), 1-18.
43. Öcal, H. (2022, July 25). The bottom is falling out for post-war UN regime. Daily Sabah. <https://www.dailysabah.com/opinion/columns/the-bottom-is-falling-out-for-post-war-un-regime>
44. Öztürk, A. E. (2026). The making of Turkey's middle-power status: Resources, agency, and constraints (Working Paper). ELIAMEP. <https://www.eliamap.gr/en/the-making-of-turkeys-middle-power-status-resources-agency-and-constraints/>
45. Payne, R. A. (2007). Neorealists as critical theorists: The purpose of foreign policy debate. *Perspectives on Politics*, 5(3), 503-514.
46. Petcu, I. T. (2025). The Rise of Middle Powers in Global Governance: Comparative Analysis of the European Union, India, and Brazil. In RAIS Conference Proceedings 2022-2025 (No. 0606). Research Association for Interdisciplinary Studies, 191-197.
47. Tameryan, T. Y., & Shaipova, A. M. (2024). CULTURAL AND SEMIOTIC APPROACH TO POLITICAL NEWS NARRATIVE ANALYSIS. *Vestnik of Moscow State Linguistic University. Humanities*, (11 (892)), 105-111.
48. TRT World. (2025). End of the Liberal Ethos or a Normative Deficit? Responsible Powerhood and The Case of Türkiye. TRT World Research Centre, 1-20.
49. Uzer, U. (2018). The Revival of Ottomanism in Turkish Foreign Policy: "The World is Greater than Five". *Turkish Policy Quarterly*, 16 (4), 29-36.
50. Van Hulst, M., Metze, T., Dewulf, A., De Vries, J., Van Bommel, S., & Van Ostaïjen, M. (2025). Discourse, framing and narrative: three ways of doing critical, interpretive policy analysis. *Critical policy studies*, 19(1), 74-96.
51. Von Einsiedel, S., Malone, D. M., & Ugarte, B. S. (2015). The UN Security Council in an age of Great power Rivalry. Tokyo: United Nations University Working Paper, 4, 1-25.
52. Wang, H. H. (2026, January 24). Beyond 1945: Preparing the UN Security Council for today's challenges. Center for International Relations and Sustainable Development (CIRSD). <https://cirsd.org/horizon-article/beyond-1945-2/>

53. Zhiyenbayev, M. (2023). Widening the Scope: How Middle Powers are Changing Liberal Institutionalism. Kazakhstan Institute for Strategic Studies under the President of the Republic of Kazakhstan.

Reconfiguring Legitimacy in the Transitional Global Order: Turkey and the Discourse of 'The world is bigger than five'

Ismail Baniadam ¹

Malek Zolghadr ²

Document Type : Original Article

Vol 3, No 1(8) Spring 2025

Received Date: 10/15/2025

Accept Date: 12/21/2025

DOI: 10.22034/wasj.2026.589555.1143

Abstract

The slogan "A World Larger than Five," frequently used in Turkish political discourse, operates beyond mere verbal criticism of the UN Security Council, offering a multi-layered narrative about global governance, legitimacy, and the distribution of power. This research aims to analyze the discursive and geopolitical meanings of this slogan and examine its role in Turkish foreign policy. The study employs a qualitative approach utilizing interpretive discourse analysis. The theoretical framework is built upon a combination of International Relations theories, including constructivism, semiotics and Laclau and Mouffe discourse. Research data were extracted from political texts, official speeches, and theoretical literature pertaining to global governance and Turkish foreign policy, and were analytically interpreted. The findings indicate that the slogan "A World Larger Than Five" operates simultaneously on multiple levels: first, as a symbolic critique of the concentration of power in the Security Council; second, as a discursive instrument for Turkey's geopolitical positioning as a middle power; and third, as a communicative mechanism to garner support from Global South countries for the reform of international institutions. In conclusion, this slogan can be regarded as a form of strategic discourse through which Turkey seeks both to challenge the legitimacy of existing global governance structures and to redefine its diplomatic and identity status within the transitioning international order. This article, by presenting a three-level model and integrating three theoretical frameworks, goes beyond previous research to demonstrate that the main function of the slogan in question lies not in its superficial content, but in its discursive structure and the process of others. In this way, it has become a tool for redefining Turkey's strategic identity within the emerging global order.

Keywords

Legitimacy, Discourse, Global Order, Transition, Turkey

1 Faculty of Political Science and International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.

2 Faculty of Political Science and International Relations, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran.